

Original Article

Contemplation over the Material Element of Worldwide Dispersion of Depravity and its Comparison with Citizenship Rights

Halimeh Rurdeh¹, Mohammdd Mohseni Dehkalani^{2*}, Mohammad Ruhani Moqadam³

1. Ph.D. Student of Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Islamic Azad University of Semnan, Semnan, Iran.
2. Associate Professor of Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding Author) Email: mmdehkalany@yahoo.com
3. Assistant Professor of Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Islamic Azad University of Semnan, Semnan, Iran.

Received: 11 Sep 2018 Accepted: 6 Mar 2019

Abstract

Worldwide dispersion of depravity is a crime against security. This title has been used along with waging war against the God in the majority of the former regulations but the legislator has distinguished these two criminal titles in the Islamic Penal Code of Law, passed in 2013, due to the mismatch and discoordination of the majority of its examples with the concept and definition of waging war against the God. However, there are commonalities between these two titles. The material behaviors stated in article 286 of the Islamic penal code of law, have been codified based on jurisprudential substantiations. Some of the examples of worldwide dispersion of depravity have been criticized and investigated as specified in the foresaid article. The capital punishment seems to be not justifiable for some of these behaviors. The high frequency and multiplicity of the material behavior featuring widespread harmful results and outcomes are two prerequisites to the actualization of worldwide dispersion of depravity. Some of the examples like kidnapping have been neglected by the legislator despite the vastness of their harmful effects. There are ambiguities and problems in some of the concepts and terms of the aforesaid article such as "vast" and "widespread" and so forth. In the Islamic government, the citizenship rights like the other rights have been drawn on the rules and regulations of Islam. Thus, the legislator has given legal aspects to the enactment of the rules and regulations specific to the aforementioned rights in adherence to the Islamic jurisprudence and tries devising the required legal mandates in line with guaranteeing the enforcement and fulfillment of these rights. The essential citizenship rights have been excerpted from the constitutional texts and the most important of them are human veneration, life, economic and social rights and public order. Since everything disrupting the public order would be an instance of the worldwide dispersion of depravity that wastes and divests the citizenship rights including the veneration, decency and economic and social rights, the material behaviors of the widespread dispersion of depravity, as its examples and outcomes, contradict these sure human rights. Thus, it is the duty of the governments to come up with the best enactments of regulations thereby to take effective steps for supporting these rights. Iran's criminal law, as well, serves the protection and revering of these rights.

Keywords: Ifsad fi al-Arz (Worldwide Dispersion of Depravity); Material Behaviors; Citizenship Rights; Human Veneration; Public Order

Please cite this article as: Rurdeh H, Mohseni Dehkalani M, Ruhani Moqadam M. Contemplation over the Material Element of Worldwide Dispersion of Depravity and its Comparison with Citizenship Rights. *Bioethics Journal*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 271-285.

مقاله پژوهشی

تأملی در عنصر مادی جرم افساد فی الارض و مقایسه آن با حقوق شهروندی

حلیمه رورده^۱، محمد محسنی دهکلانی^{۲*}، محمد روحانی مقدم^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازنداران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: mmdehkalany@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

چکیده

افساد فی الارض از جرائم علیه امنیت می‌باشد. این عنوان در بیشتر قوانین قبلی در کنار محاربه به کار رفته است، اما به دلیل عدم انطباق و ناهماهنگی بیشتر مصادیق آن با مفهوم و تعریف محاربه، مقنن در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به تفکیک این دو عنوان مجرمانه اقدام نموده است. با وجود این، اشتراکاتی میان این دو عنوان وجود دارد. رفتارهای مادی بیان شده در ماده ۲۸۶ ق.م.ا بر اساس مستندات فقهی تدوین شده است. برخی از مصادیق جرم افساد فی الارض در ماده مزبور قابل نقد و بررسی است. مجازات اعدام برای برخی از این رفتارها قابل توجیه نیست. تکرار و تعدد رفتار مادی با وسعت آثار زیان‌بار نتایج آن سبب تحقق افساد فی الارض می‌گردد. برخی از مصادیق به مانند آدم‌ربایی علی رغم وسعت آثار زیان‌باری که دارند، مورد غفلت قانونگذار قرار گرفته‌اند. ابهامات و اشکالاتی در برخی از مفاهیم و واژه‌های ماده مزبور، مانند «گسترده»، «وسیع» و... وجود دارد. در حکومت اسلامی حقوق شهروندی همانند سایر حقوق منبعث از قواعد و مقررات دین اسلام است، لذا قانونگذار با تأسی به فقه اسلامی با وضع قوانین و مقررات خاص به حقوق مذکور جنبه قانونی داده و در جهت تضمین اجرای این حقوق در مقام ضمانت اجراهای لازم برآمد. حقوق شهروندی از متن قانون اساسی گرفته شده و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از کرامت انسانی، حیات، حقوق اقتصادی و اجتماعی و نظم عمومی. از آنجایی که هر چیزی مخل به نظم عمومی باشد، افساد فی الارض محسوب می‌شود که تضییع‌کننده و مخل حقوق شهروندی اعم از کرامت، شرافت، حقوق اقتصادی و اجتماعی است. رفتارهای مادی افساد فی الارض به عنوان مصادیق آن و نتایج حاصل از آن ناقض این حق مسلم انسان‌هاست، لذا وظیفه حکومت‌هاست که با وضع قوانین هرچه بهتر در جهت حمایت از این حقوق گام بردارند. حقوق کیفری ایران نیز در جهت حفظ و ارزشمندی این حقوق می‌باشد.

واژگان کلیدی: افساد فی الارض؛ رفتارهای مادی؛ حقوق شهروندی؛ کرامت انسانی؛ نظم عمومی

مقدمه

قانونگذار تا قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به طور مستقل از جرم افساد فی الارض سخن به میان نیاورده است، بلکه یا همراه با محاربه آن را بیان کرده و یا این که مفسد را در حکم محارب دانسته است و یا در قوانین پراکنده اقدام به بیان مصادیق آن کرده است، اما در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به دلیل اشکالاتی که بر مصادیق محاربه گرفته شد، مبنی بر این که مصادیق بیان شده از محاربه هیچ گونه مطابقتی با محاربه مصطلح ندارند، به مانند قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و مواد ۸، ۹، ۱۱ و... قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از قوانین دیگر که در حکم محاربه و یا محاربه و افساد فی الارض مقارن با یکدیگر بوده اند. همچنین با ملاک و معیاری را که در عبارت فقها و لسان روایات از محاربه بیان شد، مطابقت نداشته است. علاوه بر این یک درآمیختگی و عدم انسجام در کاربرد این دو عنوان در مواد قانونی وجود داشته که تشخیص این دو عنوان را مشکل نموده بود. عمده دلیل آن برداشت متفاوت فقها و حقوقدانان از آیه ۳۳ سوره مائده است که مبنای جرم‌انگاری این دو عنوان بوده است، لذا قانونگذار را بر آن داشت تا به جرم‌انگاری مستقل این دو عنوان همت گمارد.

لذا تحولاتی در مفهوم و مصادیق افساد فی الارض به وجود آمد که در مصداق افسادبودن مصادیق بیان شده به دلیل عام بودن افساد شکی نیست، چراکه مصادیقی از آن همانند نباش به تکرار، احتکار و عادت به کشتن اهل ذمه در فقه نیز بیان شد، لکن وضع مجازات سنگینی، چون اعدام برای برخی از آن‌ها همانند نشر اکاذیب مورد هجمه منتقدان می‌باشد. علاوه بر آن قید «به طور گسترده» که بر تکرار و کمیت رفتار مادی دلالت دارد، در برخی از رفتارها مطلق نیست، چراکه انجام یک بار پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک که منجر به مرگ افراد انسانی زیادی گردد، سبب تحقق افساد فی الارض می‌شود و نیازی به تکرار آن برای تحقق آن ندارد. در مقاله پیش رو به بررسی برخی از اجزا عنصر مادی جرم افساد فی الارض از جمله رفتارهای مادی مرتکبین و مصادیق آن و

چالش‌های موجود و اشکالات پرداخته است. علاوه بر آن از آنجایی که حقوق شهروندی از جمله حقوقی است که هر فرد در کشوری که زندگی می‌کند و تابع آن می‌باشد، از آن برخوردار است، لذا دولت باید این حقوق را رعایت کند و ملزم به حمایت از آن در همه جوانب باشد، چراکه انسان در پرتو حقوق شهروندی به طور آزاد قدم در مسیر رشد و تعالی می‌گذارد. بنابراین هر آنچه که سبب تضییع این حقوق گردد، جرم محسوب می‌شود. پس وظیفه مقنن است با جرم‌انگاری رفتارهای مرتکبین در جهت حمایت از این حقوق برآید، لذا رفتارهای مادی مقرر شده در ماده ۲۸۶ به عنوان مصادیق افساد فی الارض و نتایج حاصل از آن، به مانند اخلال در نظم عمومی می‌توانند نقض‌کننده حقوق شهروندی افراد از حق حیات، کرامت و شرف انسانی گرفته تاحقوق اقتصادی و اجتماعی او گردد، چراکه هر آنچه که مخل نظم عمومی است، مفسد فی الارض محسوب می‌شود و نظم عمومی از مبنایی‌ترین حقوق شهروندی است.

واژه فساد

راغب، فساد را به معنای خارج شدن شی از حالت اعتدال دانسته و می‌نویسد: فساد یعنی خارج شدن چیزی از حالت اعتدال و فرق نمی‌کند این عدم تعادل اندک باشد یا بسیار و صلاح ضد فساد است. واژه فساد در روح و روان و جسم و چیزهای نا متعادل استعمال می‌شود. در روائع البیان آمده است: «فساد ضد صلاح است و بر هر چه که از حالت صالح منفعت‌آور خود خارج شود، گفته می‌شود فاسد شد» (۱) و نیز در دایره المعارف اسلامی آمده است: «فساد به معنی به هم خوردگی حال یا اخراج از امنیت می‌باشد» (۲). در فارسی فساد به معنای تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن و نیز به معنای تباهی، خرابی، فتنه، آشوب، شرارت و بدکاری آمده است (۳). فساد در فرهنگ عمید این گونه آمده است: در زبان «فساد» در حالت مصدر لازم به معنای تباه شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن و در حالت اسم مصدر به معنای تباهی و خرابی و در حالت اسم به معنای فتنه، آشوب، شرارت و بدکاری است (۴). اصل «فساد» تغییر بود، از حال استقامت و

«افساد» احداث فساد بود و «فساد» ضد صلاح بود (۵). با توجه به معانی لغوی بیان‌شده از فساد مصادیق زیادی را می‌توان بر عنوان عام افساد بار کرد که مهم‌ترین آن، ضایع کردن حقوق دیگران، اخلال در نظم جامعه و قوانین کشور می‌باشد. بنابراین مصادیق و رفتارهای زیادی تحت عنوان عام افساد فی الارض قرار می‌گیرند.

افساد فی الارض

با جرم‌انگاری مستقل افساد فی الارض از محاربه و تحول مفهوم افساد به تبع تحولاتی در مصادیق آن نیز صورت گرفته است و رفتارهای مادی زیادی به عنوان مصادیقی از آن در قانون مجازات اسلامی جای گرفت.

ماده ۲۸۶: «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

تبصره: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری در جه پنج یا شش محکوم می‌شود.» مقنن در یک ماده و یک تبصره به شرح جرم افساد پرداخته است که با توجه به سنگینی مجازات می‌توان اشکالات را بر این ماده گرفت:

اولین اشکالی که می‌توان بر این ماده گرفت این است که قانونگذار همانند مواد دیگری که به مصادیق افساد پرداخته در این ماده نیز به جای تعریف از جرم افساد به بیان مصادیق افساد پرداخته است. با این تفاوت که در ماده مزبور افساد را

مقید به قیودی به مانند «به طور گسترده»، «عمده» و... کرده است. گویی مقنن در صدد تفکیک دو عنوان محاربه و افساد بوده است، لکن فقط به مصادیقی از آن اشاره داشته است، اما با این حال بهترین نوع تعریف از قانون خصوصاً برای افساد که عنوانی عام دارد، ذکر آن با مصداق می‌باشد.

دومین اشکالی که بر این ماده قانونی گرفته شده است، وجود عبارت‌های نامفهوم که حدود و مرز آن‌ها قابل اندازه‌گیری نیست. از جمله این عبارت‌ها، عبارت «به طور گسترده»، «اخلال شدید در نظم عمومی»، «خسارت عمده» و «وسیع» می‌باشند که معیاری برای اندازه‌گیری این عبارت‌ها وجود ندارد، گرچه در جوابی نه‌چندان قانع‌کننده می‌توان گفت که تبصره این ماده قانونی تا اندازه‌ای می‌تواند از این عبارت‌ها رفع ابهام کند. ظاهر تبصره بدین شرح است که هر یک از این قیود باید نزد قاضی احراز گردد. در صورت عدم احراز افساد فی الارض ثابت نمی‌گردد، اما این عبارت‌های مبهم ممکن است به تفسیر موسع از این ماده بینجامد و سبب استبداد قضایی و تصمیمات خودسرانه گردد، به مانند این‌که یک قاضی ممکن است چهار بار تکرار مجروح کردن کسی یا کسانی را از مصادیق ارتکاب گسترده جرم، علیه تمامیت جسمانی افراد و موجب اخلال شدید بداند، اما قاضی دیگر ده بار تکرار چنین عملی را از مصادیق آن بداند و این اشکالات موجود می‌تواند بالقوه برای اجرای عدالت و اهداف اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، به لحاظ اختیار قضات در تفسیر قوانین عادی، خطرناک باشد (۶).

اشکال دیگر این‌که جرم افساد فی الارض رفتارهای زیادی را تحت عنوان عام خود قرار داده است. بنابراین قانونگذار باید همانند برخی از حدود به مانند سرقت، مساحقه و... مراتبی را در صورت تکرار و تعدد برای این عنوان مجرمانه قرار دهد.

اشکال دیگر این‌که اگر قانونگذار با این قیود بیان‌شده «گسترده»، «عمده» و «وسیع» به تبیین جرم افساد فی الارض پرداخته، تکلیف جرائمی که در سال‌های قبل از ۱۳۹۲ تحت عنوان جرم افساد فی الارض یا مصادیق آن به تصویب رسیده چیست؟ که راه حل مقرون به صواب این است که مطابق ماده ۲۸۶ با آن‌ها رفتار شود و ماده مزبور مفسر مواد

قانونی قبلی گردد. بدین صورت که قیود مذکور، در آن مواد خاص نیز معتبر باشند.

حال به برخی از اجزا عنصر مادی جرم افساد فی الارض در ماده ۲۸۶ پرداخته و اشکالات و ابهامات موجود را بیان نموده و سپس به مقایسه این عناصر مادی با حقوق شهروندی می پردازیم.

رفتارهای مادی افساد فی الارض

در ماده ۲۸۶ چندین رفتار و عمل به عنوان مصادیق افساد فی الارض بیان شده است که همانند قوانین قبلی در باب افساد فی الارض بیانگر رویکرد مصداق گرایانه قانونگذار می باشد. ماده ۲۸۶: هر کس به طور گسترده، مرتکب:

۱- جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد

این رفتار مجرمانه در فقه جزایی تحت عنوان جنایات مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اکثریت فقها جنایت را جرم علیه تمامیت جسمانی اعم از آنکه موجب قصاص یا دیه باشد، استعمال می کنند (۷). جرجانی در کتاب الجنایات، جنایت رادر عرف شرع قتل یا جرحی می داند که موجب قصاص یا دیات شود (۸).

از آنجایی که قانون مجازات اسلامی برگرفته از منابع فقهی می باشد، قانونگذار جنایات را جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد اعم از جنایت علیه نفس یا علیه غیر نفس می داند. بنابراین جنایت علیه اشخاص شامل قتل، نقص عضو، ضرب، جرح و انواع آن می شود که بر انسان زنده وارد می شود. از آنجایی که هیچ وسیله ای مانند سلاح موجب این جنایات نمی شود، اعمال مذکور مشمول جرم محاربه نیز می شود که دلالت بر انطباق این دو عنوان مجرمانه در برخی رفتارها دارد. یکی از مصادیق بارز آن عملیات بمب گذاری در اماکن عمومی پر ازدحام می باشد که غالباً در صورت انفجار موجب تلفات انسانی گسترده و ایجاد ناامنی شدید در سطح جامعه می گردد.

۲- جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور

می توان گفت طیف گسترده ای از جرائم گرچه برخی روشن تر و ملموس تر به مانند شورش، اما برخی به طور غیر

مستقیم نیز داخل در این نوع جرائم می باشند. از مهم ترین مصادیق جرائم علیه امنیت جرم محاربه بوده است، خصوصاً عبارت «موجب ناامنی محیط گردد» در ماده ۲۷۹ اشاره به همین مطلب دارد.

محاربه که دارای مستندات قرآنی و روایی است، در نگاه اول جرمی علیه امنیت و آسایش عمومی حکومت اسلامی است و ارتباطی به تهدید علیه موجودیت حاکمیت اسلامی ندارد، اما در صورتی که قصد مرتکبین این جرم تضعیف حاکمیت مرکزی اسلامی و در نتیجه بر چیده شدن آن باشد، جرم محاربه نیز یک جرم علیه امنیت کشور و تهدیدکننده آن می باشد، خصوصاً اگر قطاع الطريق را به دلیل ناامن کردن راهها از مصادیق بارز محاربه بدانیم، می توان گفت محاربه از جرائم علیه امنیت کشور می باشد. در واقع می توان گفت مصداق و نمونه بارز جرائم علیه امنیت در حقوق ایران و فقه اسلامی محاربه می باشد و در بسیاری از جرائم دیگر علیه امنیت نیز، اعمال مجازات خاص پیش بینی شده در قانون علیه مرتکب مشروط بر محارب محسوب نشدن وی دانسته شده است (۹).

چنانچه در تفسیر المیزان در ذیل آیه محاربه آمده است:

مراد از محاربه و افساد همان اخلاف در امنیت عمومی است و امنیت عمومی با ایجاد ترس عمومی و قرارگرفتن ترس به جای امنیت مختل می شود، ترس عمومی نیز تبعاً و عادتاً فقط از طریق به کارگیری سلاح و قتل ایجاد می شود (۱۰). در کنزالعرفان نیز بعد از تعریف لغوی و اصطلاحی محاربه، راهزنی و تجاوز به دیگران را که مخل امنیت است را داخل در همین عنوان می داند (۱۱).

۳- نشر اکاذیب

آیه ۱۹ سوره نور مبنای جرم انگاری نشر اکاذیب بوده است و عقل انسان نیز به عنوان یکی از منابع استنباط احکام، هرگونه نشر اخبار غیر واقع علیه اشخاص حقیقی و حقوقی را قبیح دانسته و مرتکبین به چنین اعمال و رفتاری را مجرم دانسته است. اصل ۲۲ و ۲۴ قانون اساسی برای حیثیت و آبروی انسانها احترام قائل بوده و هرگونه اضراررساندن به آن را محکوم می نماید.

حرمت شرعی کذب و اشاعه و نشر مطالب کذب از مسلمات فقه بوده و روایات متواتری (۱۲) بر آن دلالت دارد.

نشر اکاذیب هم در فضای حقیقی و هم در فضای مجازی صورت می‌گیرد، چراکه امکان اشاعه و پراکندن اخبار و اطلاعات به طرز شگفت‌آوری در فضای مجازی بسیار وسیع‌تر و با سرعت بسیار بالا صورت می‌گیرد.

نشر اکاذیب در برخی موارد به دلیل سازمان یافته‌بودن و ایجاد فضای ناامنی در سطح جامعه هم جرمی علیه امنیت اجتماعی و هم امنیت علیه حاکمیت محسوب می‌شود.

یکی از اشکالاتی که بر این ماده وارد می‌باشد، این است که نشر اکاذیب چگونه می‌تواند عنصر مادی جرم افساد فی الارض قرار گیرد؟ در صورتی که قانونگذار در ماده ۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ صدور حکم و اجرای مجازات جرائمی را که چه در مرحله شروع و چه برای معاونت در آن قابل تعویق و تعلیق نبوده را معین نموده است، با توجه به ماده مذکور مصادیق بیان شده در بندهای این ماده ۱۳ دربرگیرنده اکثر مصادیق افساد فی الارض و معاونت در آن می‌باشد، در صورتی که در این ماده نامی از جرم نشر اکاذیب به میان نیامده است، پس چگونه قانونگذار جرم قابل تعویق و تعلیقی چون نشر اکاذیب را به عنوان یکی از رفتارهای مادی جرم افساد فی الارض قرار داده است؟ در صورتی که جرائمی غیر قابل تعویق و تعلیقی چون آدم‌ربایی، قاچاق انسان، اسیدپاشی که مخل بر نظم و امنیت عمومی و دارای آثار و نتایج بسیار زیان‌بارتری می‌باشند؛ جایگزین این مصداق از افساد فی الارض نشوند، گرچه برخی این‌گونه استدلال کرده‌اند که اگر نشر اکاذیب در حدی باشد که جنایت‌های مهمی را به دنبال داشته باشد، چرا افساد فی الارض بر آن صدق نکند؟ (۱۴)

سؤال دیگر این‌که امروزه با توسعه شبکه‌های اجتماعی و با توجه به گستردگی این شبکه‌ها و فضای مجازی و این‌که در کم‌ترین زمان اخبار کذب در اختیار میلیون‌ها نفر قرار می‌گیرد، می‌توان گفت که چنین عملی چون به دلیل فضای گسترده به طور گسترده انجام می‌گیرد، چنین عملی مصداق افساد فی الارض می‌باشد؟ در چنین صورتی تفسیر موسعی از این جرم انجام خواهد شد، از طرف دیگر قاعده «درأ» اجازه چنین ت

فسیری را نمی‌دهد که بگوییم در صورتی که جرائمی نظیر نشر اکاذیب باعث ناامنی در جامعه شوند، مصداق افساد فی الارض هستند (۱۵). در جواب این سؤال نیز می‌توان به پاسخ فوق‌الذکر اشاره کرد، اما با این حال، به دلیل وجود شبهه، تعیین چنین مجازات سنگینی جای تأمل دارد. همچنین با توجه به این‌که نشر اکاذیب جرمی قابل گذشت است، قرار گرفتن آن در مصادیق افساد فی الارض با شبهه همراه می‌باشد.

علاوه بر این آیا تفاوتی بین کسی که با بمب‌گذاری چندین نفر را به قتل می‌رساند و یا فردی که با پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک جان انسان‌های زیادی را به خطر می‌اندازد، با کسی که چندین فقره نشر کذب می‌کند، وجود ندارد؟

۴- اخلال در نظام اقتصادی کشور

بارزترین مصداق اخلال در نظام اقتصادی، قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاحیه دی‌ماه ۱۳۸۴ می‌باشد که شامل دو ماده که قانونگذار در ماده ۱ به تعریف و بیان مصادیق اخلاگران و در ماده ۲ به مجازات آنان پرداخته است.

مصادیق بیان‌شده در ماده مزبور اگر به قصد ضربه‌زدن به نظام باشد، یکی از مجازات‌های این جرم به عنوان افساد فی الارض، اعدام است. گستردگی این اعمال مجرمانه و ایجاد اخلال شدید در نظم عمومی و یا ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی، از شرایط مقرر در این ماده می‌باشد.

۵- احراق و تخریب

مالکیت در شرع مقدس اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از سنت فقهاتی است، مورد حمایت قرار گرفته است.

در نتیجه می‌توان گفت از آنجایی که تخریب اموال چه دولتی و چه غیر دولتی چه عمومی و چه خصوصی رابطه تنگاتنگی با نظم عمومی داشته، مرتکبین آن با حصول شرایط محکوم به افساد فی الارض می‌گردند (۱۶)، اما باید متذکر شد با توجه به شبهه در احراز قیود معتبر در ماده مزبور اعدام را در مواردی باید در نظر گرفت که احراق و تخریب منجر به

گرم قائل نشده و این مواد نوعی سلاح کشنده محسوب می‌شوند و یا با توجه به بند «ش» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۲ در خصوص مصادیق استفاده از سلاح: گروه مواد شیمیایی که علیه افراد استفاده شده و موجب جراحت شدید یا ناتوان کردن فرد می‌شود را در زمره سلاح و به کارگیری اسلحه علیه دیگران قرار داده و تصریح کرده است «مواد شیمیایی، موادی که برای کشتن، ایجاد جراحت شدید یا ناتوان کردن افراد از طریق تأثیرات فیزیولوژیکی در عملیات تروریستی به کار برده شوند» این ماده قانونی سلاح‌های سمی و میکروبی و شیمیایی و خطرناک را نیز جزء مصادیق سلاح می‌داند. می‌توان این اعمال مجرمانه را محاربه دانست. در واقع محاربه یکی از مصادیق رفتار مادی بیان شده می‌باشد.

نکته قابل ذکر این است که در ماده ۲۸۶ ق.م.ا قید «به طور گسترده» برای اعمال مجرمانه شرط شده است تا مشمول ماده مذکور و جرم افساد فی الارض گردند، اما از آنجایی که پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک در هر یک از منابع آب، هوا و... خصوصاً در آب موجب مرگ و میر افراد زیادی با یک بار انجام می‌گردد، آیا وجود این قید شرط محقق شدن چنین جرمی به عنوان مفسد می‌باشد؟ و یا به دلیل وسعت آثار زیان‌بار چنین جرمی نیازمند به این قید نمی‌باشد؟ و یا این که باید گفته شود که وسعت آثار زیان‌بار در این جرم، جدای از قید گسترده که بر تعدد و تکرار عمل مجرمانه دارد، نمی‌باشد و قرارگرفتن این دو شرط به طور مطلق موجب تحقق افساد فی الارض می‌گردد؟

و یا این که می‌توان گفت این رفتار مادی فی نفسه دارای چنان گستردگی است که نیازی به قید مذکور ندارد؟

۷- دایر کردن مراکز فساد و فحشا

از آنجایی که فساد مفهومی عام است و دامنه مصادیق آن گسترده و شامل هر فساد می‌گردد، لذا تفکیک این مفهوم از سایر مفاسد به مانند مفاسد اقتصادی نیازمند قرینه است که با توجه به قرینه موقعیت، انصراف فساد به مفاسد اخلاقی همراه شدن آن با فحشا است.

قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه بدنی شدید گردد، اما این سؤال باقی است این که با توجه به وصف «به طور گسترده» که ناظر به تعدد و تکرار اعمال مجرمانه است، اگر کسی با یک فقره احراق سبب خسارت عمده‌ای به اموال عمومی و خصوصی به مانند آتش کشیدن نیروگاه نفت و منجر به جرح افراد زیادی گردد، با توجه به فراز پایانی این ماده که سبب خسارت عمده گردد، آیا از شمول افساد فی الارض خارج هست؟

۶- پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک

یکی از مصادیقی است که دارای مستندات فقهی است (۱۷). واژه «پخش» با توجه به مطلق بودن آن و مواد قانونی موجود ما را به این نکته رهنمون می‌کند که مقصود از آن اعم از توزیع کنندگان و استفاده کنندگان این مواد است.

- مهم‌ترین ماده قانونی در این باب ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های شیمیایی در ژنو به سال ۱۹۳۵ می‌باشد.

- قانون کنوانسیون منع تکمیل، توسعه، تولید و ذخیره سلاح‌های مذکور مصوب ۱۳۵۲/۳/۲۳ و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع گسترش تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها مصوب ۱۳۷۶/۵/۵.

- برخی از شکل‌های بیوتروریسم در ماده ۶۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ مشهود است و تبصره ۲ این ماده که به تعریف این نوع آلودگی پرداخته، تغییر بیولوژیکی را یکی از آن موارد قرار داده است.

بر اساس تعریف پلیس بین‌المللی در سال ۲۰۰۷ بیوتروریسم عبارت است از: منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب‌رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌های سیاسی یا اجتماعی.

بنابراین با توجه به تعریف فوق بیوتروریسم یک محارب نیز هست، چراکه قانونگذار در ماده ۲۷۹ ق.م.ا مقرر فرموده: «کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها است...» و به دلیل این که عرف تفاوتی بین سلاح سرد و

منظور از دایر کردن اعم از اداره کردن و تأسیس و راه‌اندازی مراکز فساد است.

مرکز فساد و فحشا محلی است که فساد و فحشا در آن صورت می‌گیرد. بنابراین به محل و مکانی که به صورت منسجم و سازمان‌یافته تأسیس و اداره می‌گردد و هر یک از جرائم لواط، زنا، تفخیز، مضاجعه، و انواع مفاسد اخلاقی صورت می‌گیرد.

دایر به مشارکت در فراهم‌نمودن موجبات فساد و فحشا و تهیه و شرکت در نگهداری مشروبات الکلی می‌باشد. بنابراین کلیه اماکنی که فاقد ساختار و مدیریت عرفی نسبتاً منسجم برای هدایت و نظارت بر فعالیت‌های نامشروع خود هستند و به صورت موقتی برای ارتکاب فساد و فحشا اختصاص یافته‌اند، ویژگی مرکز را نداشته و مشمول این ماده قانونی نخواهند بود (۱۸).

لذا از آنجایی که شرط تحقق بزه دایر کردن مراکز فساد و فحشا بزه به عادت محسوب می‌شود، اما صرف اثبات ارتکاب جرم در یک محل کافی برای اطلاق عنوان محل فساد و یا دایر کردن خانه فساد نیست، اگرچه نتایج حاصله از دایر کردن چنین مراکزی در حد وسیع و گسترده باشد، اما اگر نتوان عنوان مرکز و سازمان را به چنین مراکزی داد، چنین اعمال مجرمانه‌ای محقق نمی‌گردد؟

اما به دلیل مبهم‌بودن عبارت‌ها در ماده مزبور به مانند «در حد وسیع» ... مشخص نیست محدوده این حد و مرز تا کجاست سه بار، چهار بار، چراکه از یک طرف دایر کردن مراکز فساد و فحشا با یک بار و یا دو بار محرز نمی‌گردد و از آن طرف در چه صورتی دایر کردن مراکز فساد و فحشا مشمول افساد فی الارض می‌گردد؟ آیا با دایر کردن چندین مرکز فساد و یا یک مرکز فساد که به طور گسترده اداره شود و در آن مفاسد اخلاقی به دفعات متعدد و بی‌شمار انجام گیرد، مشمول این جرم خواهد شد؟ در حد وسیع نشان‌دهنده چه حد و مرزی است تا نتایج حاصله از این جرم محقق گردد؟ حال اگر مرکز فساد با توجه به شرایط بیان‌شده عنوان مرکز و سازمان را بگیرد و از آنجایی که فساد دارای مفهومی عام و دارای مصادیق بی‌شماریست، دایر کردن مرکز فساد و استمرار و دوام

آن در مدت زمان طولانی و وسعت آثار زیان‌بار آن و اشاعه فحشا در حد وسیع و علاوه بر آن دلالت قید «به طور گسترده» بر تعدد عنوان مجرمانه و با توجه به این‌که در یک مرکز فساد عناوین مجرمانه زیادی اعم از تأسیس، تشویق و تحریک به فساد، فحشا، قوادی، تفخیز و بسیاری از این موارد صورت می‌گیرد، آیا برای تحقق افساد فی الارض نیازمند تأسیس و اداره مراکز متعدد فساد و فحشا است؟

مصادیق مورد غفلت قانونگذار در ماده ۲۸۶

یکی از مصادیق افساد فی الارض که دارای مستندات فقهی بوده و مورد غفلت قانونگذار در ماده ۲۸۶ قرار گرفته، جرم آدم‌ربایی و فروش آن‌ها به مقاصد گوناگون اعم از تجارت، اشاعه فساد، فحشا و... است، چراکه اگر قرار است جرم افساد فی الارض با همه مخالفت‌ها به عنوان جرمی مستقل در قانون مجازات اسلامی جایی برای ماندن داشته باشد، باید مصادیقی از افساد در آن گنجانده شود که دارای مستندات بوده و به دلیل غیر قابل تعویق و تعلیق‌بودن، فساد زیادی برای جامعه و حکومت در پی داشته است. مجازات آدم‌ربا و فروش آن‌ها بسیار در تعبیر فقها بیان شده است و بنا بر قول مشهور فقها دست مرتکبین چنین اعمال قطع خواهد شد و از آنجایی که انسان مال نمی‌باشد، قطع دست آدم‌ربا و آدم‌فروش حد سرقت نمی‌باشد، چراکه بسیاری از فقها دلیل قطع دست آدم‌ربا را به جهت افساد او می‌دانند (۱۹)، البته با توجه به این مطلب مجازات افساد محدود فقط به اعدام نیست، ولی شاید در جواب بتوان گفت همانطور که در تعبیر فقها در مصادیق دیگر افساد آمده و با توجه به قاعده تناسب بین جرم و مجازات در صورت تکرار حکم به قتل قابل توجیه است.

بنابراین چنین جرم سنگینی با چنین مستندات فقهی در صورت تکرار و انجام آن به صورت سازمان‌یافته قطعاً نتایجی که در قسمت پایانی ماده ۲۸۶ بیان‌شده را به همراه خواهد داشت. از جمله جرائم دیگری که می‌تواند داخل در مصادیق افساد فی الارض باشد، قاچاق انسان با مقاصد گوناگون است، خصوصاً اگر افراد مشمول آن زنان و کودکان باشند.

نتیجه جرم افساد فی الارض

با توجه به فراز پایانی ماده مزبور، تعدد و تکرار رفتارهای مادی بیان شده در صورتی سبب تحقق افساد فی الارض می گردد که این رفتارها دارای نتایج و آثار زیان بار وسیعی باشد. این دو شرط کنار یکدیگر موجب تحقق این عنوان مجرمانه می شوند.

تعریف حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از جمله حقوقی است که برای بشر به جهت رعایت کرامت و شأن او شناخته شده است. حقوق شهروندی امتیازات و آزادی هایی است که به وسیله قوانین اساسی کشورها مورد حمایت قرار گرفته و رعایت آن ضمانت شده است، این حقوق شامل امتیازاتی است که فرد انسانی یا طبعاً دارای آن است و یا قوانین کشورها به آن ها اعطا کرده است. حقوق شهروندی برخلاف حقوق بشر که در آن تابعیت مؤثر نیست، در مورد اتباع یک کشور به رسمیت شناخته شده است (۲۰).

پس حقوق شهروندی مجموعه ای از قوانین و مقرراتی است که وظایف و مسؤولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری، دولت یا به طور کلی قوای حاکم است، اطلاق می شود. حقوق شهروندی در واقع قواعدی است که سازماندهی و کنترل همه فعالیت های ضروری حیات فردی و جمعی انسان را بر عهده دارد و زمینه ساز ورود شهروندان به عرصه های مختلف جامعه است (۲۱).

بنابراین حقوق شهروندی یک حق طبیعی ناشی از حقوق اساسی هر کشوری است که در اثر تابعیت به وجود می آید و مورد حمایت قانون اساسی قرار گرفته است.

بنابراین هر آنچه که موجب نقض این حق طبیعی افراد شهروند گردد، به موجب قانون جرم محسوب می شود و جرم زدایی از آن وظیفه حکمرانان است، لذا جرم انگاری افساد فی الارض راهی برای تحقق این هدف می باشد.

علاوه بر آن از آنجایی که شهروند مفهومی است که با مسؤولیت و مسؤولیت پذیری آحاد جامعه همراه است (۲۲).

شهروند نیز ملزم به رعایت این حقوق و ممنوع از نقض آن می گردد، چراکه نقض آن مانع از بهره مندی فرد ناقض از این حقوق مسلم می شود.

مهم ترین و بنیادی ترین حقوق شهروندی که می شود از متن قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی برشمرد، عبارتند از کرامت انسان، حق آزادی، حقوق امنیت، حق تساوی و برابری، حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی، نظم عمومی، حق حیات، سلامت و حقوق فرهنگی است که در اینجا به بررسی بعضی از موارد مرتبط که توسط مرتکبین جرم افساد فی الارض مورد نقض قرار می گیرد، می پردازیم:

افساد فی الارض و اصل کرامت

در بند ششم از اصل دوم قانون اساسی که حقوق شهروندی برگرفته از آن است، چنین مقرر داشته است: «ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خداوند از اصول اساسی می باشد».

این اصل برگرفته از آیه قرآنی «لقد کرمنا بنی آدم» آیه ۷۰ سوره اسرا می باشد. کرامت انسانی به دو دسته تقسیم می شود (۲۳): اول کرامت ذاتی که نتیجه بشریت است و هر انسان از آن رو که انسان است، صاحب کرامت است (۲۴). بنابراین می توان گفت انسان از آن جهت که انسان است دارای این کرامت می باشد؛ دوم کرامت اکتسابی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات به دست می آید و ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است، یعنی کرامت، دارای ارزش بالقوه است که اگر با تلاش در مسیر حیات معقول به فعلیت برسد، دارای ارزشی مستند به اراده آزاد است (۲۵). علاوه بر آن معیار حقوق اسلامی حفظ کرامت انسان و هویت واقعی است (۲۶).

حال که انسان دارای این کرامت و ارزش چه ذاتی و چه اکتسابی است، لذا هر آنچه که سبب از بین رفتن این کرامت شود، نقض یکی از حقوق شهروندی افراد است. از بین رفتارهای مادی در افساد فی الارض آنچه که موجب نقض این حقوق می گردد، نشر اکاذیب می باشد. نشر اکاذیب از آن جهت که

خبری غیر واقع می‌باشد، در وحله اول به غیر از تشویش اذهان و ایجاد رعب و وحشت در برخی مواقع اولین چیزی را که نشانه می‌گیرد، کرامت انسانی است، چراکه با نشر خبر کذب و غیر واقعی از فردی، سبب نزول ارزش انسانی فرد و خوارشدن انسان در چشم دیگران می‌گردد، چراکه کرامت انسانی چیزی جزء جلوگیری از ارتکاب گناهان و تعدی به حقوق دیگران نیست، لذا نشر خبر غیر واقع چیزی جزء تعدی به حقوق دیگران نمی‌باشد. علاوه بر این نشر اکاذیب از جمله حق الناس است، چراکه حرمت بهتان و کذب همانطور که بیان شد، از مسلمات فقه و به طور متواتر در روایات بیان گردیده است. در آموزهای اسلامی از حقوق شهروندی به عنوان حق الناس تعبیر شده است که حتی مقدم بر حق الله است. هر اقدامی که موجب سلب آن گردد، تعدی به حق الناس است، حتی سخت‌گیری خدای متعال در قلمرو حق الناس میزان و معیار عدالت او شمرده شده که مانع آمرزش حق الناس بدون رضایت صاحب حق می‌گردد (۲۷). علاوه بر آن هر نوع رفتار غیر قانونی، کرامت انسان را نشانه می‌گیرد، البته توجه به این نکته که انسان‌ها مادامی که با اختیار خود جهت ارتکاب خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردار است (۲۸).

افساد فی الارض و حقوق اقتصادی

قرآن کریم در آیات ۵۸ تا ۶۲ سوره بقره درباره اهمیت حقوق اقتصادی سخن به میان آورده است تا جایی که شرط اجازه ورود بنی‌اسرائیل را به بیت‌المقدس مراعات شرایط و ضوابط زندگی شهری و قوانین اقتصادی دانسته است. علامه طباطبایی معتقد است شرایط زندگی در بیت‌المقدس تسلیم بودن در برابر قوانین اقتصادی و حقوق شهروندی است که اگر تابع این قوانین هم‌زیستی و حقوق شهروندی شوند، از هرج و مرج و متلاشی‌شدن نجات می‌یابند، ولیکن بنی‌اسرائیل از قوانین اقتصادی سر باز زدند خداوند سرپیچی از قوانین الهی را فساد در زمین می‌داند (۲۹).

از جمله اهداف اقتصادی عبارتند از: برقراری عدالت، مبارزه با فقر، مبارزه با رشوه‌خواری، احترام به حقوق مردم،

مبارزه با رانت‌خواری، مبارزه با انباشت ثروت‌های راکد و... (۳۰). لازمه سعادت انسان‌ها در دنیا برخورداری از رفاه، آسایش و آرامش فرد و جامعه است و این امر بدون داشتن اقتصاد سالم و پویا امکان‌پذیر نیست.

از آنجایی که اخلال در نظام اقتصادی متناقض با هر یک از اهداف فوق می‌باشد، لذا مبارزه با قانون‌شکنی یکی از مبنای حقوق اقتصادی است، چراکه با اخلال در نظام اقتصادی حقوق مردم نادیده گرفته می‌شود و نادیده‌گرفتن حقوق مردم، یعنی نقض حقوق شهروندی او. احتکار و ذخیره‌کردن مواد غذایی در حالی که مورد نیاز مردم است، عدم توزیع مواد مورد نیاز مردم، قاچاق کالا و ارز و بسیاری از موارد دیگر که سبب اخلال در نظام اقتصادی می‌شود، مبارزه با آن‌ها وظیفه دولت با وضع قوانین می‌باشد. برخورد قاطع با اشخاص فاسد و خیانت‌کار که تضییع‌کننده حقوق شهروندی است را می‌توان در نامه امام علی (ع) به عبیدالله ابن عباس دید (۳۱). وجوب حفظ نظام بشری و نهی از اختلال نظام از اصول پذیرفته‌شده فقهاست (۳۲). این جزء با وضع قوانین سفت و سخت در همه جوانب به دست نمی‌آید. همانطور که در ماده ۷۲ منشور حقوق شهروندی، دولت به منظور تأمین حقوق اقتصادی شهروندان ملزم به مقابله با جرائم سازمان‌یافته اقتصادی، پولشویی و قاچاق کالا و ارز می‌باشد.

افساد فی الارض و حیات انسان‌ها

در ماده ۱ بند اول از اعلامیه اسلامی حقوق بشر حق حیات را عطیه خداوندی می‌داند و همه دولت‌ها باید از این حق انسان‌ها در مقابل تعدیات دفاع کنند. همچنین جداساختن هیچ روحی از بدن بدون مجوز شرعی مجاز شتاخته نشده است. همچنین بند سوم از این ماده نیز محافظت از حیات بشری را لازم می‌داند. از آنجایی که حقوق شهروندی از دل حقوق بشر گرفته شده است، حق حیات و سلامت از جمله حقوق در سرفصل منشور حقوق شهروندی سخن به میان آورده شده است. علاوه بر این تمام حقوق برای یک انسان بماهو انسان زمانی معنا پیدا می‌کنند که انسان از حق حیات برخوردار باشد. در صورتی که رفتارهای مادی چون جنایت

علیه تمامیت جسمانی افراد در افساد فی الارض حیات و سلامت افراد را نشانه گرفته است و یا در رفتار مادی پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک که حتی اگر موجب مرگ انسان نگردد، مانند اسیدپاشی به عنوان یکی از این مواد خطرناک که به مرگ زنده از آن نام برده می‌شود، در واقع سالب بسیاری از حقوق شهروندی افراد و سلامت جسمانی آن‌ها می‌گردد یا بیماری‌های ناشی از پخش و توزیع این مواد چیزی جزء از بین رفتن حقوق شهروندی افراد نمی‌باشد. وضع قوانین سفت و سخت در مبارزه با این رفتارها وظیفه دولت‌ها است، چراکه خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده درباره ارزش حیات انسان‌ها چنین بیان فرموده که کشته یک انسان به مثابه کشتن همه انسان‌هاست و زنده کردن انسانی به مثابه زنده کردن همه انسان‌هاست، زیرا فرد و نوع حقیقت واحد در وجدان و انسانیت یکسانند و ارزش فرد همانا ارزش انسانیت است و جنایت بر فرد نیز هدم مقام بشریت خواهد بود. حال چه رسد که اگر کسی جان انسان‌های زیادی را به گونه‌های متفاوت بستاند.

افساد فی الارض و امنیت

حق امنیت و آرامش به عنوان یکی از حقوق شهروندی پذیرفته‌شده در همه جوامع و لازمه زندگی هر شهروند می‌باشد و هر چیزی که مخل به این حق باشد، جرم محسوب می‌شود. از آنجایی که طیف گسترده‌ای از جرائم گرچه برخی روشن‌تر و ملموس‌تر و برخی غیر مستقیم موجب برهم‌زدن این حقوق می‌گردند و از طرفی برهم‌زدن امنیت و آرامش خصوصاً محاربه که یکی از جرائم مخل امنیت است، موجب رعب و هراس شهروندان می‌گردد، لذا در ماده ۱۴ منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی آمده شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیر قانونی به آزادی و امنیت فرد، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشد، مراجع و مأمور مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض و یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود را ارائه دهند. بنابراین با جرم‌انگاری رفتارهایی که مخل به امنیت می‌باشد، اقدامی اساسی در جهت حفظ حقوق شهروندی صورت

می‌گیرد، چراکه آرامش یک اجتماع و شهروندان آن جزء با برقراری امنیت حاصل نمی‌شود. از طرفی خصوصیت همه جرائم سلب امنیت می‌باشد و از آنجایی که افساد دارای عنوانی عام است، همه رفتارهای مادی بیان‌شده ناقض حقوق شهروندی است، از جمله این مصادیق همانطور که بیان شد محاربه است، محاربه مصداق اعلا افساد فی الارض است، چراکه جرمی علیه امنیت مردم است و چیزی بالاتر و بارزش‌تر از عدم ترس، هراس و داشتن امنیت از جانب جان، مال و ناموس نیست که همه رفتارهای مادی افساد فی الارض موجب سلب این حقوق می‌گردد. علاوه بر آن، نتیجه جرم افساد فی الارض در فراز پایانی ماده مزبور اشاره به این حقوق افراد دارد و تحقق جرم مذکور را مقید به ناامنی کرده است، چراکه افساد فی الارض موجب ناامنی شدید در اجتماع می‌گردد.

نشر اکاذیب در برخی موارد به دلیل سازمان‌یافته‌بودن و ایجاد فضای ناامنی در سطح جامعه هم جرمی علیه امنیت اجتماعی و هم امنیت علیه حاکمیت محسوب می‌شود. احراق و تخریب نیز به دلیل رعب و وحشت حاصله از آن مخل با امنیت می‌باشد.

افساد فی الارض و نظم عمومی

نظم عمومی مدلول مقرراتی است که در آن ذات و حیثیت و منافع مادی و معنوی جامعه باید مورد حمایت جدی قرار بگیرد. در صورت برهم‌زدن نظم عمومی وجدان جامعه جریحه‌دار می‌شود. بنابراین برای حفظ آن هرگونه اقدام الزام‌کننده یا بازدارنده به جا و شایسته خواهد بود (۳۳).

بنابراین نظم عمومی از جمله مبنای حقوق شهروندی است که هرگونه اقدامی در جهت حمایت از آن باید توسط دولت‌ها صورت گیرد، چراکه قواعد نظم عمومی، یعنی قواعدی که طرفین نمی‌توانند از آن شانه خالی کنند، این قوانین به وسیله دولت‌ها یک‌طرفه برای حمایت از ارزش‌های اساسی جامعه‌شان به وجود می‌آیند (۳۴).

از طرفی انسان موجودی اجتماعی است، لذا نظم لازمه زندگی شهروندی به شمار می‌آید که دولت‌ها ضامن برقراری آن با وضع قوانین می‌باشند.

همانطور که در ماده ۲۸۶ ق.م.ا مقرر شده است هر یک از رفتارهای مادی مذکور در ماده مزبور به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد، حتی اشاعه فساد و فحشا موجب برهم‌زدن نظم عمومی می‌شود، چراکه از جمله اصول مهم در قوانین اسلامی، دوری از رفتارهای غیر اخلاقی و مفسد است، چراکه این رفتارها برخلاف موازین اسلام و موجب برهم‌زدن نظم حاکم بر قوانین اسلامی می‌شود. همچنین هر رفتاری که احساسات مذهبی مردم را جریحه‌دار کند، برخلاف نظم عمومی است و مبارزه با آن از وظایف حکومت‌ها می‌باشد. همانطور که ماده ۹ حقوق بشر اسلامی در مورد امنیت ناموسی افراد تأکید دارد.

نشر اکاذیب نیز به دلیل تشویش اذهان عمومی و ایجاد فضای ناامن موجب برهم‌زدن نظم عمومی می‌گردد. از آنجایی که تخریب اموال چه دولتی و چه غیر دولتی چه عمومی و چه خصوصی رابطه تنگاتنگی با نظم عمومی داشته، مرتکبین آن با حصول شرایط محکوم به افساد فی الارض می‌گردند.

چنانچه در تفسیر المیزان در ذیل آیه محاربه آمده است: «مراد از محاربه و افساد همان اخلال در امنیت عمومی است و امنیت عمومی با ایجاد ترس عمومی و قرارگرفتن ترس به جای امنیت مختل می‌شود، ترس عمومی نیز تبعاً و عادتاً فقط از طریق به کارگیری سلاح و قتل ایجاد می‌شود» (۳۵).

بنابراین هر آنچه که مخل به نظم عمومی شود، مصداق افساد فی الارض است، حال هر رفتاری و به هر قصدی چه به قصد براندازی نظام با برهم‌زدن امنیت داخلی و خارجی و چه به قصد برهم‌زدن نظم و امنیت به وسیله محاربه باشد. همانطور که علامه طباطبایی در معنای آیه ۳۳ سوره مائده «انما جزا الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا» هر عملی را که نتیجه آن، باطل‌شدن یکی از اموری باشد که پیامبر از جانب خداوند بر آن‌ها ولایت دارد، همانند محاربه کافران با پیامبر و اخلال ره‌ن‌ان در امنیت عمومی که پیامبر با

ولایت خود آن را در سرزمین گسترش داد دنبال‌شدن جمله «انما جزا الذین یحاربون الله» با جمله «ویسعون فی الارض فسادا» مشخص می‌کند که مراد از محاربه همانا فساد در زمین است، از طریق اخلال در امنیت عمومی و نظم عمومی، نه مطلق محاربه با مسلمانان... (۳۶). بنابراین هر نوع اخلال در نظم و امنیت عمومی فساد در زمین است که خداوند برای آن مجازاتی را معین نموده است. این خود حمایت قانون الهی از حقوق تمامی مردم به عنوان شهروند با وضع مجازات‌های متناسب با نوع جرم واقع‌شده از نظر شدت و ضعف بوده است. بنابراین با اخلال در نظم عمومی که یکی از مهم‌ترین حقوق مذکور است، حقوق شهروندی در معرض تعدی، تعرض، اخلال و نادیده‌گرفتن قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

رفتارهای مادی افساد فی الارض برگرفته از مستندات فقهی بوده است. اشکالاتی بر مصادیق افساد از جمله نامفهوم بودن برخی عبارت‌ها و عدم تناسب جرم و مجازات وارد است. بنابراین قانونگذار در درجه اول باید در حد امکان عبارت‌های مبهم را از این مواد قانونی حذف نموده و معیارهای ثابت و محدوده مشخصی را برای چنین جرائم سنگینی وضع نماید و یا این‌که به شرح و تفسیر این عبارت‌های مبهم و مشخص نمودن محدوده آن‌ها در مواد قانونی و یا تبصره‌های دیگر بپردازد و یا این‌که همانند برخی از حدود به مانند سرقت، مساحقه و... مراتبی را در صورت تکرار و تعدد برای این دو عنوان مجرمانه قرار دهد.

علاوه بر آن مصادیق بیان‌شده در این مواد قانونی حصری نبوده و ممکن است همانند سایر نیازهای بشری به مرور زمان با پیشرفت تکنولوژی و پیچیده‌شدن روابط، مسائل و موضوعاتی به وجود آید که نیازمند این باشد تا یا برخی از مصادیق بیان شده در این ماده و دیگر مواد قانونی خاص افساد فی الارض حذف گردد و جای خود را به مصادیق جدید دهد و یا این‌که به مصادیق فعلی مصادیق دیگری اضافه گردد. حقوق شهروندی از جمله حقوق افراد است که در نتیجه تابعیت افراد به یک کشور به وجود می‌آید. حقوق شهروندی که از متن قانون

اساسی گرفته می‌شود، مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از کرامت انسانی، حیات، حقوق اقتصادی و اجتماعی و نظم عمومی. از آنجایی که هر چیزی که مخل به نظم عمومی باشد، موجب نقض حقوق شهروندی است، بیشتر رفتارهای مادی افساد فی الارض به عنوان مصادیق آن ناقض این حق مسلم انسان‌هاست، لذا وظیفه حکومت‌هاست که با وضع قوانین هرچه بهتر در جهت حمایت از این حقوق گام بردارد.

References

1. Sabuni M. Rava'eq al-Bayan. Beirut: Dar al-Ma'arefah; 1986. p.564.
2. Sahebabad S. Ata'ei Press Institution, Islamic Encyclopedia, under the term depravity. 1st ed. Tehran: Farhangkhah, Muhammad Rasul; 1980. p.205.
3. Zeyali AIM. Tabyyin al-Haqaeq. Egypt: Al-Amiryyah Press; 1892. p.59.
4. Amid H. Amid Dictionary, under the title of the word depravity. 1st ed. Tehran: Amir Kabir; 2015. p.121-136.
5. Abu al-Fotuh R. Rawzah al-Janan va Ruh al-Janan fi Tafsir al-Quran. *Astan-e Ghods-e Razavi Research Foundation* 1988; 7(3): 55-69.
6. Agha'einia H. Crimes against individuals. 16th ed. Mashhad: Mizan; 2017. Vol.1 p.124-146.
7. Helli A. Tafsil al-Shari'ah. 1st ed. *Imam Sadeq (PBUH) Institution* 2006; 4(1): 402-409.
8. Hosseini Jorjani A. Ayat al-Ahkam. Mashhad: Navid; 1983. p.681-693.
9. Mir Muhammad Sadeqi H. Crimes against the public security and comfort. 27th ed. Mashhad: Mizan; 2014. p.77.
10. Tabataba'ei M. Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Qom: Islamic Publication Office affiliated with the society of teachers; 1997. Vol.5 p.334.
11. Hassani A. Sharh Qanun al-Uqubat al-Eraqi. Cairo: Al-Ershad Press; 1972. p.119.
12. Horr Ameli M. Wasa'el al-Shi'ah. Tehran: Chapter on Tahrim al-Kezb fi al-Saqir va al-Kabir; 2016. Vol.12 p.348.
13. Holy Quran. Al-Baqarah: 139; Al-Maedah:5; Al-Asra: 4.
14. Fathi H. Expanded explanation of Islamic punishment, passed in 2013. 1st ed. Qom: Islamic Jurisprudential Encyclopedia Institution; 2015. p.398.
15. Ragheb Esfahani HIM. Mufradat Alfaz al-Quran. Beirut: Dar al-Elm; 1992. Vol.1 p.22.
16. Al-Dardir MIA. Al-Sharh al-Saghir. Beirut: Dar al-Madar; 2002. p.39.
17. Tusi M. Al-Nahayah. Qom: Ghods Mohammadi Publication Institution; 1986. p.713.
18. Rahbarpour M. The legal-judicial challenges of the crime 'Ifsad Fi Al-Arz'. Tehran: University Press; 2014. Vol.1 p.209.
19. Afandak K. Citizenship and judicial rights. *Journal of Bar Association* 2008; 5(6): 107-116.
20. Rabbani R. Investigation of the sociocultural factors and the individuals' awareness of the citizenship rights. *Seasonal Scientific Research Journal of Islamic Azad University, Shushtar Branch* 2006; 12(4): 81-90.
21. Hezar Jaribi J. Social security from the perspective of the tourism development. *Journal of Legal Researches* 2011; 22(2): 54-65.
22. Habibzadeh T, Farajpour Asl Marandi A. Human veneration and establishment of the human rights and citizenship rights inserted in the constitution of the Islamic Republic of Iran based thereon. *Seasonal Journal of the Public Law Studies* 2016; 46(1): 117-129.
23. Kaldi A, Pourdehnad N. Investigating the university students' awareness of and attitudes towards the citizenship rights in Tehran. *Seasonal Journal of Urban Studies* 2012; 2(4): 117-129.
24. Ja'afari M. Universal human rights. 1st ed. Qom: the Office for the International Law Services; 1991. p.278-279.
25. Javadi Amoli A. Right and obligation in Islam. *Esra'a Publication Center* 2006; 16(1): 99-108.
26. Vahid Behbahani M. Resaleh Amaliyeh Mota'ajjer. Qom: Research and Publication Institution of Ahl al-Bayt (Peace be Upon Them) Teachings; 2001. p.214-220.
27. Ja'afari Tabrizi K. The human veneration right. *Journal of the Political Sciences and Law Department* 1991; 27(6): 77-85.
28. Dominic J, Weimer R. Investigating Mass Media. Translated by Seyyed Emami K. 1st ed. Tehran: Soroush Publications and Research Center, Studies and Programming; 2005. p.703.
29. Shoar Ghafari P. News and National Interests. *Journal of Research in Mass Media Research* 1994; Special Issue 3(1): 21.
30. Dashti M. Nahj al-Balaqah: Letter 41. Qom: Mashhour; 2001. p.547.
31. Na'eini M. Tanbih al-Omma va Tanzil al-Mellah. 9th ed. Tehran: Sherkat Sahami Publication Institution; 2008. Vol.2 p.298.
32. Hashemi M. The constitutional laws of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Mizan; 2008. p.410.

-
33. Maleki Borujeni N. The relationship between hijab, human right and citizenship rights. *Bi-Seasonal Journal of Islamic Human Rights* 2017; 4(2): 139-167.
34. Tabataba'ei M. Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Qom: Islamic Publication Office Affiliated with the Society of Teachers; 1997. Vol.5 p.334.
35. Tabataba'ei M. Tafsir al-Mizan. Translated by Musavi Hamadani SMB. Qom: Islamic Publication Office; 2009. Vol.5 p.327.